



گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دغدغه
سال دوم | شماره ششم | مهر ۱۳۹۹

در این شماره می‌خوانید:
عبور از جاده مطالبه‌گری، تحقیر یا تأدیب
مسئله این است، درهای بسته پاستور
برای زنان؟!، شکلات تلخ، پایان یک رویا

گفتگوی اختصاصی "دغدغه" با «مرتضی حاج‌علی‌خمسه»
استاد دانشگاه و پژوهشگر درباره قانون تسهیل ازدواج جوانان

آینه دق!





آینه دق!

امیر رضا سلحشور
دبیر دانشکده علوم اجتماعی



آیا قانون تسهیل ازدواج جوانان امکان اجرا ندارد؟

یک نکته و ملاحظه که در سیاست های کلی قانون گذاری ابلاغی مقام معظم رهبری هم به آن اشاره شده این است که باید کیفیت قانون گذاری به نحوی باشد که قانون قابلیت اجرا داشته باشد و اجرایی بودنش برای مجلس قابل سنجش باشد. قانون تسهیل ازدواج جوانان به صورتی است که به نظر نمی رسد قابل اجرا نباشد، هرچند ممکن است یک مقدار قانون شعاری یا آرمان گرایانه به نظر برسد اما در این حد هم نیست که این قانون قابل اجرا نباشد. اما مشکل اینجاست که متأسفانه نمایندگان مجالس دوره های مختلف شأن تقنینی خود را خیلی پررنگ از شأن نظارتی شان می دانند در حالی که باید عکس باشد.

اگر نمایندگان مجلس به دنبال نظارت باشند و از ابزار نظارتی خود به درستی استفاده کنند، ما شاهد معطل ماندن قوانین نخواهیم بود. مگر اینکه در اجرا دچار مشکل

شوند، چون بالاخره این امکان وجود دارد که عده ای به دلایل موجه و غیرموجه از اجرای قانون سر باز زنند؛ این نظارت مجلس است که باید با ابزارهای مختلفی که در دست دارد مانند: سوال، استیضاح، تحقیق و تفحص، کمیسیون اصل نود و ابزار های نظارتی دیگر، می تواند بررسی کند که این قانون اجرا شده یا خیر. اگر اجرا نشده دلیل اجرا نشدن آن چه بوده است. وقتی این وظیفه را مجلس به درستی انجام دهد آن وقت به تبع آن متوجه می شود که دلیل اجرا نشدن قانون مشکل در قانون است یا ضعف مجریان قانون مانع از اجرا شده است.

اگر قانون اشکال داشته باشد با یک دید درست، روشن و منطقی اقدام به اصلاح قانون می کنند یا اگر خلأیی حس شود که باعث اجرا نشدن قانون شده باشد، برای آن خلاء، قانون گذاری متناسب می کنند و نهایتاً اگر موردی نبود و مجری تمایل به اجرای قانون نداشت یا از قانون سر باز می زد آنگاه می توانند از آن ابزارها و ضمانت اجراهایی که در دست دارند، مانند شکایت کمیسیون اصل نود به دیوان عدالت اداری

که اگر مثلاً وزیری است که از اجرای قانون امتناع می کند، با استیضاح وزیر و رای عدم اعتماد به او می توانند با این ضمانت اجرا مجری که از اجرای قانون سر باز می زند را بردارند تا شخصی بیاید که آن قوانین را اجرا بکند.

آیا این قانون ضمانت اجرایی دارد؟

در این قانون ضمانت اجراهایی دیده شده ولی یکی از مشکلات اصلی بار مالی زیادی در این قانون است و راهکار جبران مالی طریق صندوق اندوخته ازدواج جوانان است که در واقع اولاً کفاف جبران بار مالی گسترده قانون را ندارد، دوماً مجلس هم عملاً اهتمام لازم برای تشکیل و تقویت آن صندوق را نداشته، فلذا آن ضمانت اجرایی عملی لازم را دارا نیست.

آیا این قانون دارای متولی دقیق و مشخص است؟

یکی از نکات مهم این است که دولت باید اساس نامه صندوق را تهیه کند و به مجلس بفرستد و انجام این کار در دولت بر عهده هیئت وزیران است. شاید عدم تمایل به اجرای قانون یا دلایل دیگری باعث اجرا نشدن این قانون شده است. یا بخشی از وظایف ممکن است که به صورت خاص وزارتخانه ای مشخص نشده باشد اما مشخص است که متولی این وظیفه چه ارگان هایی هستند. به نظر بنده مشکل اجرا نشدن این قانون مشخص نشدن متولی دقیق نیست و باید علت را در موارد دیگری جست.

به نظر شما اجرای این قانون چه تأثیراتی بر جامعه می داشت و نتیجه اش چگونه می بود؟

این قانون طبعاً نتایج مثبتی در تسهیل امر ازدواج می داشت ولی باید مجموع

شرایط را با هم دید، مخصوصاً مسائل فرهنگی، اقدامات قانون گذاری و اقدامات حقوقی سنگر آخر اجرای قانون هستند.

برای یک حوزه محدود اقداماتی که مرتبط با فرهنگ می شوند و نیاز به فرهنگ سازی دارند و بعضاً یک اتفاقاتی می افتد که یک فرهنگی را در جامعه رقم میزند. به عنوان مثال سن ازدواج بالا می رود و تمایل به ازدواج کم می شود و... اینها در یک شب ایجاد نمی شود که با یک قانون اصلاح بشوند، اینها نیاز به سلسله اقداماتی دارند که بعضی از این اقدامات لزوماً در قوانین نمی گنجد.

به قول معروف نیاز به اقدام عملی دستگاه های فرهنگی و دستگاه های ذی ربط را دارد و اینگونه نیست که ما فکر کنیم با یک قانون مشکل ازدواج جوانان حل می شود. بخشی از این مشکلات مربوط به مسائل مالی است، که نیاز به کمک دولت دارد و بخشی توسط قانون حل می شود؛ ولی بخش دیگری که به عنوان مثال مشکلات فرهنگی باشد یا مسائل از این دست که به مرور یک فرهنگ غلطی را نسبت به ازدواج به وجود می آورد؛ اینطور نیست که بگوییم با یک قانون و مصوبه اینها اصلاح می شوند. این موارد نیاز به گذر زمان و اصلاح آن فرهنگ غلط دارد.

مضاف بر این مسائلی مانند آنچه در این قانون آمده، که بار اقتصادی و مالی زیادی برای کشور دارد طبعاً با توجه به شرایط اقتصادی تحریم ممکن است تأمین بار مالی آن را تحت شعاع قرار دهد. فلذا خیلی نمی توان این سوال را به صورت کامل جواب داد اگر این قانون اجرا می شد چه می شد و چه نمی شد. باید یک مجموعه عوامل را که این قانون می تواند یکی از آنها باشد مورد بررسی جامعه قرار داد تا بتوان ارزیابی صحیحی از این موضوع داشت.





عبور از جاده مطالبه گری

جستاری درباره مطالبات مسئله محور
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشکده علوم اجتماعی در سال گذشته



یوسف بیوک خان
دبیر فرهنگی شورا مرکزی دانشگاه

دقیقا مسئله از روز اول تشکیل جلسه شورا شروع می‌شود. هفته بعد از تقسیم مسئولیت‌ها، فعالیت یک سال پیش رو را تنظیم می‌کند.

گاهی این یک سال پایه گذار یک عمر خواهد شد و گاه مسیر زندگی مسئله‌محور افراد را تغییر خواهد داد.

دقیقا، زندگی مسئله محور؛ زمانی که مسئله انتخاب شده یک جمع مومنانه، هدف زندگی یک ساله فردی و تشکیلاتی اعضای شورای دانشکده می‌شود.

آن روز آغاز زندگی مسئله محور است.

بارش افکار

جلسات اول جلسه بارش فکری است، منطق‌ها، دغدغه‌ها، مطالعات و اهداف افراد به روی تخته سفید رنگ دفتر شورا نقش می‌بندد. جای نقطه نمانده است، دریای مسائل که هرکدام انبوه فعالیت را می‌طلبد. بحث و بررسی شروع شده است.

گاهی اوج و فرود مباحث، صورت افراد را

درهم می‌کند، هرکس معتقد به پیگیری ام المسائل است.

سیرت تشکیلات بُرنده‌تر است؛ اعضا برای پیگیری یک مسئله به توافق رسیده اند. شاید مهم‌ترین مسئله قرن اخیر سبک زندگی باشد.

دقیق شدن در مسئله

این بار دقت افراد بیشتر است، تمرکز روی یک مسئله واحد است.

به نظر شما اصلی‌ترین متغیر سبک زندگی کدام است؟

باللعب، دریایی از مشکلات و مباحث مطرح می‌شود. هرکس از نگاه خود سبک زندگی را شناخته است.

این بار نظرات بیشتر به هم نزدیک شده؛ پاسخ این است، خانواده متغیر اصلی است.

تابستان داغ

این بار گرمای جلسه، اجازه ادامه را نمی‌دهد. باید دقیق تر شد، نیاز به وقتی دیگر با کمک بیشتر است. جلسه با کارشناس در گرمای

تابستان شروع شده است؛ زمانی که دانشجو، استاد و دانشگاه تعطیل است، تشکیلات تعطیل بردار نیست. مسئله بر روی زمین مانده و عده‌ای هم مانند تشنگان دنبال آب هستند.

دو ساعت جلسه کارشناسی یک خروجی دارد، مادر مهم‌ترین پایه خانواده است، خانواده مهم‌ترین پایه سبک زندگی است. پس اصلاح مشکلات مادران سبب اصلاح خانواده است.

کتابخوانی، خبرخوانی، پیگیری جزئیات بیشتر، صحبت با کارشناسان و هماهنگی با اساتید و کارشناسان جهت تبیین مشکلات آغاز شده است، تابستان ما داغ‌تر از دیگران است.

آغاز پرحاشیه

شروع ترم تحصیلی، شروع حواشی دانشگاهی، کشمکش‌های سیاسی است.

اما ما به دور از حاشیه در امن‌ترین نقطه جهان، دفتر انجمن، به دنبال برنامه ریزی ماه اول مطالبه هستیم.

طرح برنامه به وقت مادری آماده شده است و قدم‌های آغازین همیشه سخت‌تر است.

چالش و مباحث کارشناسان دریچه‌ای تازه به مسئله باز کرده و دست ما هم روان‌تر شده است.

جلسات بعدی، برنامه‌های بعدی، انتشار نشریه پی در پی در حال گذار است و خروجی‌اش، پخش یک مستند و همایش رویکردهای پنهان سیاست‌گذاری در حوزه زنان است.

نمایش رویکردهای پنهان، جلسات و مصاحبه با اساتید هیئت علمی دانشکده، ما را به یک مسئله خاص سوق می‌دهد.

رویای مادری

مسئله به این سادگی‌ها نبود، سه و نیم میلیون زوج وجود دارد؛ که با مشکل ناباروری

دست و پنجه نرم می‌کنند و هزینه‌های درمان رمق ادامه مسیر را از آن‌ها سلب کرده است؛ فکری باید کرد.

یک فرآیند منظم و جذاب مطالبه‌گر تدوین می‌شود.

شروع یک پویش دانشگاهی با حضور اساتید، روسای دانشکده و دانشگاه و دانشجویان، اعتبار فعالیت را بیشتر می‌کند، همه باید به خط می‌شدند تا مسئله حل شود؛

پویش رویای مادری آغاز شده است.

درب اتاق به اتاق هیئت علمی دانشکده زده و مسئله برای آن‌ها تبیین شده است. برخی حمایت کردند و برخی هم دریغ کردند.

دانشجویان پای کار آمده‌اند و یک به یک پای نامه را امضا می‌کنند، همه چیز برای اجرای مرحله دوم فرآیند آماده است.

همایشی باحضور نمایندگان فعلی و کاندیدای بعدی مجلس مهیا می‌شود، مراسمی که یک روز مانده به آغاز، مغلوب بد قولی سیاست‌مداران می‌شود.

مطالبه ادامه دارد

انتخابات مجلس و شیوع کرونا، تعطیلات عید نوروز و معلق بودن وضعیت کشور در شرایط کرونا مانع اجرای فاز سوم مطالبه‌گری می‌شود و همه برنامه‌ها معلق است. اما راه ادامه پیدا می‌کند، رویای مادری نقل محافل مسئله محور شده است.

پویش را، گروه‌های مردم نهاد با همان اسم رویای مادری شروع کرده‌اند و این روزها نوای رویای مادری در روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی زمزمه می‌شود. دیر یا زود قانون بیمه درمان ناباروری تصویب می‌شود.

قانونی که شاید بر زندگی عده‌ای کثیر، تاثیر بسیار دارد، اما عبور این مسئله مهم از جاده مطالبه‌گری را عده‌ای در سراسر کشور به دوش گرفته‌اند و اگر بار بر زمین بماند، عده‌ی دیگری آن را بر دوش می‌کشند.





بررسی بخشی از طرح ارتقای امنیت اجتماعی و آسیب شناسی اراذل گردانی توسط نیروی انتظامی در سطح شهرها

نیلوفر ضایعی
دبیر فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی

مهر ماه ۹۸ تصویرش که منتشر شد، عکاس آن عکس، روایت کرد که سال ۹۰ نیز از او در همان وضعیت و خیابان، به همان دلیل عکاسی کرده بود؛ اما با این تفاوت که طی این سال‌ها ارتقای سطح پیدا کرده و از اراذل سطح سه به اراذل سطح یک تبدیل شده است.

چند هفته‌ای می‌شود که مجدداً بازار "گرداندن اراذل و اوپاش در خیابان‌ها" توسط پلیس نیروی انتظامی در سطح شهر گرم شده و در پی آن واکنش‌های متفاوتی را با خود به همراه داشته است.

طی سالیان اخیر نیروی انتظامی با انگیزه مقبول و پسندیده‌ی ارتقای امنیت اجتماعی، در طرحی با همین عنوان، اقدام به دستگیری و تشهیر (دورگردانی) افرادی می‌نماید که در ادبیات اجتماعی پلیس به عنوان "اراذل و اوپاش" از آن‌ها یاد می‌شود. اغلب این افراد دارای سه ویژگی مشترک هستند؛ سوابق کیفری جرایم خشن، خالکوبی‌های نامتعارف و آثار ناشی از جسم برنده بر بدن.

هدف نیروی انتظامی از تشهیر این اراذل، شکستن هیمنه پوشالی آن‌ها در محل سکونتشان و بازدارندگی از عرض اندام مجدد و ادامه

رفتارهای خشن است. اما نیروی انتظامی تا چه میزان موفق بوده است؟ افزایش تعداد دستگیرشدگان طرح ارتقای امنیت اجتماعی در سالیان اخیر که بخشی از آنان سابقه دستگیری و دورگردانی دارند، گویای آن است که این ارگان انتظامی آنقدر که باید و شاید موفق نبوده است.

تأدیب یا زیر پا گذاشتن کرامت انسانی

تشهیر یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که برای جرم‌هایی همانند «شهادت کذب، جرایم مالی مانند اختلاس و کلاهبرداری، حد قذف و قوادم» با هدف تأدیب خطاکار و بازدارندگی مجرم و سایرین از تکرار جرم، پیش‌بینی شده است.

مثلاً در مورد شاهد زور یا کذاب که با شهادتش موجبات آزار دیگران را فراهم نموده و به حقوق فردی و اجتماعی دیگران متعرض گردیده است، مجازات تشهیر وضع شده تا ضمن اثر تربیتی برای خود مجرم، از تکرار جرم جلوگیری شود و موجبات عبرت دیگران فراهم آید همچنین شاهد کذاب، شناخته شده و به شهادتش اکتفا نشود. همچنین در مورد مفلس (ورشکسته)

و محتال (کلاهبردار) برای شناساندن آن‌ها به مردم و جلوگیری از ضرر دیگران به واسطه جهل، وضع شده است.

قانونگذار ایرانی نیز در قوانین موضوعه کشورمان تشهیر را به عنوان یکی از انواع مجازات‌ها پذیرفته و قوانینی در این زمینه وضع نموده است. از جمله ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) مجازات‌های تعزیری را درجه بندی نموده و مجازات تشهیر را ذیل درجه ششم آن‌ها قرار داده است.

با توجه به این مسئله که حکم تشهیر فقط برای تعداد محدودی از جرایم است، برخی مخالف گسترش دایره‌ی مجازات این حکم‌اند و عده‌ای نیز از منظر عقلی در مورد برخی جرایم نوظهور، اعمال این کیفر را به جهت حفظ نظام اجتماعی و برقراری آرامش و نظم عمومی، گسترش دایره‌ی مجازات این کیفر را سودمند می‌دانند.

از طرفی اعمال بی‌رویه‌ی این مجازات پیامدهای منفی مانند جری شدن مجرمین یا از بین رفتن قبح برخی جرایم را در پی دارد. نوع خاص این مجازات، تبعات گسترده‌ی اجتماعی دارد که می‌تواند حتی خانواده‌ی مجرم را نیز تحت الشعاع قرار دهد.

در اجرای این حکم در ایران گاهی ما شاهد رفتاری نامناسب با مجرم هستیم که به نوعی می‌توان این رفتارها را مخالف اصل ۳۹ قانون اساسی (هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است) دانست که کرامت انسانی تاکید شده در اسلام و قانون اساسی را زیر پا می‌گذارد.

مشکل از کجاست

با گذری بر پیشینه فردی و خانوادگی قهرمان‌های پوشالی، در می‌یابیم که این افراد دارای مشکلات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از جمله فقر فرهنگی و اقتصادی، محیط زندگی آسیب‌زا و تربیت نادرست هستند.

روان‌شناسان معتقدند که اغلب رفتارهای خشن این افراد می‌تواند نشان از اختلال ضد اجتماعی آن‌ها باشد. همچنین برخی

تیپ‌های شخصیتی نظیر تیپ قدرت طلب و یا پرخاشگر می‌تواند عامل گرایش این افراد به رفتارهای شرارت‌آمیز نیز باشد.

همچنین برخی جامعه‌شناسان بر طبق نظریه «کی. رابرت مرتون» معتقدند که هرگاه بین هدف و راه‌های صص دستیابی به هدف، تناسبی وجود نداشته باشد، شخص مجبور می‌شود به دنبال راهکارهای خودساخته باشد. اغلب این افراد با راه‌اندازی گروه‌های خلافکاری و همنشینی و کسب موفقیت‌های پوچ در بین افراد این گروه‌ها، سعی بر جبران احساس حقارت و ناکامی خود در جامعه دارند.

راهکار موثر چیست

با توجه به اینکه اغلب این افراد در محیط‌هایی رشد یافته‌اند که شرارت، سابقه کیفری و... از شایستگی‌ها و افتخارات آن‌ها محسوب می‌شود و احساس قدرت به این افراد می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که تشهیر یا گرداندن این افراد در خیابان‌ها و ضرب و شتم آن‌ها به بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم کمک نمی‌کند. حتی می‌تواند منجر به عقده‌سازی اجتماعی و تلاش برای انتقام‌جویی نیز شود.

همچنین با توجه به بررسی‌های روان‌شناختی انجام شده مبنی بر اختلالاتی که اغلب این افراد دارند، به نظر می‌رسد این اقدام نیروی انتظامی نه تنها به اصلاح و شکستن هیمنه پوشالی آنان منجر نمی‌شود، بلکه با مداخله رسمی و معرفی این افراد به عنوان اراذل اوپاش و برچسب‌زنی و تثبیت این هویت جدید، آنان را به حفظ و استمرار وضع موجود ترغیب می‌نماید.

توصیه می‌شود مداخله نیروی انتظامی از دستگیری و تشهیر به مداخله فعال از طریق حضور مستمر و مقتدر در نقاط جرم‌خیز، تغییر یافته، تا علاوه بر اطمینان بخشی بیشتر به شهروندان، مجال عرض اندام و قدرت‌نمایی را از چنین افرادی سلب نماید.





درهای بسته پاستور برای زنان؟!

آیا زنان میتوانند رئیس جمهور شوند؟

زهره اصفهپور
عضو فعال دانشکده علوم اجتماعی

باز هم به یک انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شویم و در جامعه سوالاتی مطرح می‌شود که آیا در این انتخابات هم همچون دوازده دوره قبلی زنان نمی‌توانند جز افراد رقابت کنند باشند؟

اصل ۱۱۵

در اصل ۱۱۵ قانون اساسی اشاره شده که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید «از میان رجال مذهبی و سیاسی واجد شرایط انتخاب گردد» اما با گذشت سال‌ها از تصویب این قانون تفسیر آن مبهم مانده است.

شهید بهشتی(ره) در پاسخ به سوال گزارشگری که از ایشان پرسید آیا زنان می‌توانند رئیس جمهور شوند؟ پاسخ می‌دهند که «برای خود من دلایلی که در

روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمامدار باشد کافی نیست و هیچ وقت هم کافی نبوده است.» همچنین مقام معظم رهبری در یکی از بیانات خود اینگونه مطرح می‌کنند که «رجال قانون اساسی شامل خانم‌ها هم می‌شود.» حال در کنار این نظرات، اشخاصی چون آیت الله منتظری بر این تأکید داشته‌اند که «در فقه اسلامی مسأله ولایت و قضاوت را گفته‌اند که مخصوص مردان است و...» تا امروز هیچ زنی به صراحت به دلیل زن بودن ردصلاحیت نشده است. از سوی دیگر بر اساس سیاست‌های کلی انتخابات که ۲۴ مهرماه سال ۹۵ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، شورای نگهبان مأموریت یافت «معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری» را تعیین و

اعلام کند.

به نظر نگارنده زنان ایرانی با همه توانایی‌های که در عرصه‌های مختلف علمی و پژوهشی دارند قطعاً می‌توانند شایستگی‌های لازم را در این منصب همچون دیگر حوزه‌ها داشته باشند، هنگامی که نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و از آنان انتظار شرکت در رأی‌گیری و همکاری در فعالیت سیاسی را می‌رود، پس باید به عقیده و توانایی‌شان نیز ایمان داشت. هر چند که در فضای جامعه بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌هایی را درباره زنان شاهد هستیم، باید خاطر نشان کرد حضور زنان در سال‌های پس از انقلاب علی‌الخصوص در چند سال اخیر به صورت فزاینده‌ای، به ویژه در زمینه اجتماعی افزایش یافته و این نوید جامعه‌ای

بہتر را دارد. چنانچه این امر مورد بی‌توجهی قرار گیرد

می‌تواند دستاویزی

برای سوءاستفاده

معاندان نظام

قرار گیرد.

همچنین

این مسئله

با زیچہ ی

جناح‌های

سیاسی

گشته و برخی

گروه‌های

سیاسی بدون

دغدغه برای رفع

آن، صرفاً این مسئله

را دست‌مایه‌ای برای

پیشبرد اهداف سیاسی حزب

خود می‌کنند.

جامعه آمادگی دارد

مساله دیگری که مطرح می‌شود اینکه جامعه ایرانی آمادگی رئیس جمهور شدن زنان را دارد؟ با توجه به فضایی که در جامعه حاکم است، طبیعتاً افکار عمومی به گونه‌ای سامان پیدا کرده است که برای بسیاری از افراد، این موضوع دور از انتظار و برای برخی دیگر صرفاً یک خواسته پراز ابهام است. البته لازم به ذکر است که مشکلات موجود به مرور زنان را از فعالیت‌های مدیریتی دور کرده و باعث تقلیل حضور آن‌ها در عرصه‌های مدیریتی کلان شده است. این عوامل آمادگی عمومی را برای پذیرش این امر سخت و دشوار کرده، امید است با کنار گذاشتن نگاه‌های جنسیتی و تلاش برای عدالت حقوقی، سیاسی و مدنی زنان و مردان در پیشرفت و شکوفایی قدم موثری برداریم.





شکلات تلخ

فاطمه حمیدی فر
عضو فعال دانشکده علوم اجتماعی

بررسی استفاده ابزاری از زنان در تبلیغات

مدتی است بحث استفاده ابزاری از زنان در تبلیغات کشور چالش برانگیز شده است. این موضوع باعث شد که در این نوشتار به این موضوع بپردازیم. مدتی پیش، شرکتی برای تبلیغ شکلات‌هایش از بازیگر زنی استفاده کرد که چنان خود را بزرگ کرده بود که حواس مردم به جای شکلات به زن و جذابیت‌های زنانه‌اش پرت می‌شد.

آیا تا به حال دقت کرده‌ایم که به نام آزادی و حقوق زنان، آنان را در قفس هوس اسیر و زندانی می‌کنیم و به جای پرواز، بال و پرشان را می‌چینیم؟!

به نام حق اما در عمل خشونت علیه او بخش عمده‌ای از تبلیغات در سراسر جهان و حتی صدا و سیمای ایران، از طریق عشوهرگری و خودنمایی زنان است؛ این در حالی است که در بند الحاقی ماده ۱۰ قانون استفاده ابزاری از افراد و تحقیر و توهین به جنس زن و نادیده گرفتن منزلت او ممنوع شده است. همچنین در اصل ۵۸ عنوان شده حضور بانوان در آگهی‌هایی که به نقش خانم‌ها بستگی ندارد مجاز نیست. علاوه بر این موارد در بند ۳ اشاره شده برای حفظ کرامت زن نمایش تصویر او در آگهی نباید هدف تبلیغ باشد.



اگر قانونی هست چرا نتیجه‌ای معکوس دیده می‌شود؟! شاید اگر مسئولین نظارت دقیقی در این باره انجام می‌دادند، رسیدگی بیشتری می‌کردند و جلوی هرگونه تبلیغی که از جاذبه‌های جنسی زن استفاده می‌کند را می‌گرفتند، الان زنان ما ارزش خود را فراتر از جسم می‌دیدند. از سوی دیگر اگر فرهنگ‌سازی در جهت احیای کرامت و منزلت زن در رسانه‌ها و محصولات فرهنگی صورت می‌گرفت، زنان خود را در اصل زندگی می‌دیدند و نه در حاشیه. علاوه بر این‌ها، افسردگی، طلاق و خیانت در جامعه ما آمار کمتری داشت و حتی برخی مردان که زنان را ابزاری برای رسیدن به خواسته‌هایشان می‌بینند، نگاه دیگری به زنان داشتند و به عنوان

یک انسان برای او احترام قائل می‌شدند.

با افزایش نگاه ابزاری به زنان، دید آن‌ها نسبت به خود منفی‌تر شده و احساس پوچی و حقارت می‌کنند.

بسیاری از زنان اولویت خود را تغییر داده و ارزش‌های خود را تنها بر مبنای زیبایی ظاهری اختصاص داده‌اند؛ تا جایی این اتفاق باعث افسردگی و کاهش امید به زندگی بسیاری از آنان می‌شود. از طرفی مردان به سمت زنانی با ظاهری زیباتر

رفته و باعث سرد شدن روابط بین زوجین و بعضاً گسترش اختلافات، خیانت و طلاق می‌شود. به راستی که زنان در ظاهر آزادی دارند و به آن‌ها بها داده می‌شود؛ اما در واقع اتفاقی جز شکستن روح لطیف و ظریف زن نمی‌افتد. نتیجه‌ی این اسارت زنان چیزی جز خراب کردن زندگی‌ها و پایین آوردن شأن زن در حد یک کالا نیست. همانا که خداوند در قرآن کریم میفرماید:

اَنَا اعطَيْتُكَ الْكَوْثَرَ

همانا خداوند بالاترین کرامت را به پیامبر عطا کرد.





پایان یک رویا

الهام خودگلر

دبیر مالی و اداری، دانشکده علوم اجتماعی

بررسی عوامل افزایش طلاق در جوانان

تفاوت بین نسلی

شکاف بین نسلی باعث کاهش مداخله‌ی بزرگ‌ترها در ازدواج جوانان شده است. در گذشته سختکوشی، صبور و منظم بودن، مسئولیت پذیری و... از ملاک‌های مهم نظام تربیتی بوده اما امروزه معیارها و دغدغه‌ها شکلی متفاوت به خود گرفته و ملاک‌های انتخاب نیز به تبع آن دچار تحول شده است. جوانان اغلب با تفکرات ذهنی خود و معیارهایی سطحی دست به انتخاب می‌زنند و ملاک‌های ظاهری و لوکس را در نظر دارند. همچنین تمایلی به استفاده از تجارب و معیارهای انتخابی والدین خود ندارند. در این بین فرزندسالاری و رفاه‌زدگی باعث شده که جوانان در متن زندگی قرار نگیرند. در گذشته فرزندان نقش تولیدی و مسئولیت‌پذیری بالایی داشتند؛ اما امروزه فرزندان به دنبال حقوق فردی بوده، بیشتر هزینه‌کننده هستند و مسئولیتی در قبال خانه و خانواده ندارند. پدر و بعضاً مادر نیز درصد کسب درآمد بیشتر برای تامین نیازهای فرزندان هستند، از رسالت خود دور مانده و نظام تربیتی و ارتباط والد-فرزندی

امام باقر(ع) به نقل از پیامبر(ص) می‌فرمایند:

جبریل آنقدر بر من درباره‌ی زن سفارش و توصیه کرده که گمان کردم طلاق زن، جز در وقتی که مرتکب فحشاء قطعی شده باشد سزاوار نیست.

در دهه‌های گذشته شاهد افزایش آمار طلاق بوده‌ایم که علت آنها اغلب اعتیاد، عوامل اقتصادی و... دانسته می‌شد. اما امروزه این مسائل بخش کوچکی از جامعه را در برمی‌گیرند و بخش قابل توجه آن تغییرات اجتماعی و به نوعی مدرن شدن ساختار جامعه است؛ چرا که اگر روابط بین فردی از استحکام و بینش برخوردار باشد وجود مشکلاتی از جمله وضع بد مالی به تنهایی موجب طلاق نخواهد شد.

کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی است که جوانان با انتخاب‌های نامناسب بعد از ورود به زندگی دچار مشکل شده و وارد مقوله‌ای به عنوان طلاق می‌شوند.

تحصیلات و فرزندآوری

ورود به دانشگاه در بسیاری از مواقع مانع ازدواج به هنگام جوانان می‌شود. دانشجو تا به توان اقتصادی مناسب نرسد توان ازدواج را ندارد. همچنین محتوای آموزشی، دانشجو را با مهارت‌ها و نحوه استقامت در برابر مشکلات زندگی، تعامل بین فردی و مدیریت صحیح زندگی آشنا نمی‌کند. از طرفی افراد به دلیل عدم وجود حس مسئولیت‌پذیری و روحیه‌ی سازش‌گری، بر سر فرزندآوری و چگونگی تربیت فرزند به اختلاف خواهند خورد و گاهی از فرزندان و تربیت آنها چشم‌پوشی می‌کنند. لذا صحبت و به توافق رسیدن درباره فرزندآوری و فرزندپروری و تقسیم کار پیش از ازدواج از اهمیت بالایی برخوردار است.

نارضایتی در مسائل زناشویی

یکی از موضوعاتی که کمتر به آن پرداخته می‌شود ناسازگاری و مشکلات جنسی زوجین است که به دلیل شخصی بودن، آمار مشخصی

از آن در دسترس نیست. اما با بررسی دقیق پرونده‌های طلاق، می‌توان ادعا کرد مشکلات و نارضایتی جنسی یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق بوده که سهم آن به حدود ۰۴ درصد می‌رسد. برخی از کارشناسان، شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی، سایت‌ها و فیلم‌ها را که با ارائه تصاویری متفاوت از روابط، باعث بروز توقعاتی نامتعارف و اختلاف در این زمینه می‌شود مقصر میدانند.

معاشرت و شبکه های اجتماعی

ورود بیشتر زنان به بازار کار، معاشرت بین زنان و مردان را به همراه داشته است. با شکل‌گیری روابط همکاری و گسترش شبکه های اجتماعی، گاهی شاهد شکل‌گیری روابط خارج از ازدواج، خیانت و شک بین زوجین هستیم که از مهمترین عوامل اختلافات بین زوجین است. از طرفی اعتیاد به استفاده از رسانه های اجتماعی و صرف زمان زیاد، باعث سرد شدن کانون خانواده و رابطه زوجین شده است.

و این ماجرا ادامه دارد...





در مقوله‌ی مسائل اجتماعی و غیره هم مسئله‌ی مسکن یک مسئله‌ی جدّاً مهم و کلیدی است؛ ... مسئله‌ی ازدواج جوانان خیلی مهم است؛ جزو مسائلی است که اصلاً نباید از آن غفلت کرد و راه‌هایی برای تسهیل ازدواج و امکان ازدواج برای جوان‌ها، باید پیش‌بینی بشود. بعضی از این راه‌ها هزینه‌ی مادّی هم ندارد؛ فقط تصمیم‌گیری لازم دارد، توجّه لازم دارد. مسئله‌ی فرزندآوری و مسئله‌ی نسل بسیار مهم است؛ این موضوعی است که بنده بارها در این چند سال اخیر تأکید کرده‌ام، [ولی] متأسّفانه حالا که انسان نتایج را نگاه می‌کند، معلوم می‌شود که خیلی این تأکیدها تأثیر زیادی نداشته. اینها احتیاج دارد به قانون، احتیاج دارد به دنبال‌گیری جدّی دستگاه‌های اجرائی و بایستی بچّد مسئله‌ی فرزندآوری را مهم دانست و از پیری جمعیت ترسید.

رهبر انقلاب ۹۹/۴/۲۲

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: علیرضا کریم‌خانی
صفحه‌آرا، ویراستار و جانشین سردبیر: محمدحسین نیکبخت
هیئت تحریریه: نیلوفر رضایی، الهام خودکارقمی، زهرا صفرپور
فاطمه همتی‌فر، امیررضا سلحشور، یوسف بیوک خان

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل | دانشگاه علامه طباطبائی | دانشکده علوم اجتماعی

